ناشر: دانشگاه تبریز

تاریخ فرهنگ ایران

https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 194-205. doi: 10.22034/IHC.2025.19314

مقاله پژوهشی

OPEN ACCESS

The Ideological Plurality of the Hurufis and the Reaction of the Shiites to the Hurufism Beliefs

Vali Dinparast[1*], **Babak Farzam**[1]

1. *Department of History, University of Tabriz, Tabriz, Iran.*

Received: 2025/04/06	**Received in Revised Format**: 2025/06/05	**Accepted**: 2025/07/11	**Published**: 2025/09/23

Abstract

With the spread of the Hurufism movement, the idea spread in the Islamic world that most of the followers of Fazlallah Hurufi were Shiites. Mentioning the names of Shiite imams in the works of Fazlallah Hurufi and Imadaddin Nasimi and believing in Mahdism and the appearance of a savior were considered to be clear signs of the Hurufism being Shiites. Although there were other sects among the Hurufism followers, such as Sunnis. However, a number of Shiites had also joined this group. With the revelation of Fazlallah Hurufi's exaggerated and atheistic beliefs, many Shiites in the cities repented and separated from the Hurufism. In regard to Hurufis as shiites, Shiite scholars called them devils and rejected their Shiiteness.

The study of the ideological pluralism of the Hurufism and the attribution of Shiism to the Hurufism and the Shiites reaction to this attribution is the subject of this article, which is explained analytically and with reference to historical sources and contemporary research.

In conclusion this research shows that the followers of the Hurufism were from different sects and schools, and the Shiites, understanding the atheistic thoughts of Fazlallah Hurufi, separated themselves from the followers of Fazl and opposed them.

Keywords: Hurufism, Iran, Shiites, Sunnis, Shiite scholars

***Cite as**: Dinparast Vali, Farzam Babak.* The Ideological Plurality of the Hurufis and the Reaction of the Shiites to the Hurufism Beliefs. Iranian History of Culture. 2025; 2(2): 194-205.

Owner and Publisher: University of Tabriz
Journal ISSN (online): 3060-8066
Access Type: Open Access
DOI: 10.22034/IHC.2025.19314

*Corresponding Author: Associate Professor of University of Tabriz, Tabriz, Iran v.dinparast@tabrizu.ac.ir

ناشر: دانشگاه تبریز

تاریخ فرهنگ ایران

https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 194-205. doi: 10.22034/IHC.2025.19314

OPEN ACCESS

مقاله پژوهشی

تکثر عقیدتی حروفیان و واکنش شیعیان به عقاید حروفیه

ولی دین‌پرست[1*]، بابک فرزام[1]

1. گروه تاریخ، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۷ **بازنگری:** ۱۴۰۴/۰۳/۱۵ **پذیرش:** ۱۴۰۴/۰۴/۲۰ **انتشار:** ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

چکیده

با گسترش جنبش حروفیه این تصور در جهان اسلام گسترش یافت که بیشتر پیروان فضل الله حروفی، شیعه مذهب هستند. ذکر اسامی امامان شیعه در آثار فضل الله حروفی و عماد الدین نسیمی و اعتقاد به مهدویت و ظهور منجی از اشتراکات عقیدتی حروفیه و شیعیان را از نشانه های بارز شیعه بودن حروفیه ذکر می کردند. هر چند در بین پیروان حروفیه فرق دیگر مانند اهل سنت نیز وجود داشتند. اما تعدادی از شیعیان نیز به این گروه پیوسته بودند. با آشکار شدن عقاید غلوآمیز و الحادی فضل الله حروفی سبب شد بسیاری از شیعیان در شهرها توبه کرده از حروفیه جدا شوند، علمای شیعه در واکنش به شیعه بودن حروفیان آنان را شیاطین نامیده و شیعه بودن آنان را رد نمودند. بررسی تکثر عقیدتی حروفیه و انتساب تشیع به حروفیه و واکنش شیعیان به این انتساب موضوع بحث این مقاله است که به شیوه تحلیلی و با استناد به منابع تاریخی و پژوهش های معاصر به تبیین آن پرداخته و در نتیجه گیری نشان داده شده است که پیروان حروفیه از فرق و مذاهب مختلف بوده و شیعیان با درک تفکرات الحادی فضل الله حروفی راه خود را از پیروان فضل جدا ساخته به مخالفت با آنان پرداختند.

کلیدواژه‌ها: حروفیه، ایران، شیعیان، اهل سنت، علمای شیعه

نحوه ارجاع: دین پرست ولی، فرزام بابک. "تکثر عقیدتی حروفیان و واکنش شیعیان به عقاید حروفیه". تاریخ فرهنگ ایران. ۱۴۰۴: ۲(۲)،۱۹۴-۲۰۵.

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز

شاپای الکترونیکی: ۸۰٦٦-۳۰٦۰

نوع دسترسی: آزاد

DOI: 10.22034/IHC.2025.19314

*: نویسنده مسئول: دانشیار دانشگاه تبریز

v.dinparast@tabrizu.ac.ir

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 194-205. doi: 10.22034/IHC.2025.19314

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

مقدمه

در قرن هشتم هجری در شرایطی که ظلم و ستم، کشتار و ویرانی های حاکمان مغول و تیمور سراسر ایران و جهان اسلام را فراگرفته بود، فضل الله نعیمی استرآبادی با بهره گیری از نارضایتی مردم از حکومت ها و رواج اندیشه های منجی گرایی و آخر الزمانی در جوامع اسلامی ظهور کرد و فرقه حروفیه را پایه گذاری نمود. او پیروانش را از گروههای ناراضی جامعه بخصوص پیشه وران شهرها و دهقانان روستائی گرد خود جمع و خود را همان منجی معرفی کرد که با ظهور خود مظلومان را از دست ستمگران نجات می داد. در چنین شرایطی گروههای مختلف مردم ستمدیده جامعه به فضل الله حروفی پیوستند. در قرن هشتم هجری وجود تعدادی از شیعیان، اسامی و اصطلاحات شیعی در عقاید حروفیه چنین تصوری را ایجاد کرده بود که حروفیه شیعه مذهب بودند اند. برخی از یاران نزدیک فضل الله حروفی مانند سید اسحاق، سید عماد الدین نسیمی، عرشی و علی اعلی از شیعیان دوازده امامی بوده اند. در عقاید حروفیه مهدویت، رجعت و بداء وجود داشت، در آثار فضل الله و نسیمی اسامی دوازده امام شیعه ذکر شده است، برخی از مردم بصره، حله و نجف به حروفیه پیوسته بودند. وجود چنین اشخاص و اسامی ظن شیعه بودن حروفیان را تقویت می کرد، اما در آثار حروفیه برخی عبارات مخصوص اهل سنت مانند (صدیق) و (یار غار) از القاب خلیفه اول، ابوبکر، ذوالنورین لقب عثمان، و اُم المومنین لقب عایشه نیز وجود داشت. برخی از یاران فضل الله مانند تمنایی، امیر علی کیوان و روحی بغدادی از اهل سنت بودند ، برخی مانند ایشکورت دده یک مسیحی بود که به آیین حروفی درآمده بود ، یوسف قارا ایزلی یک حروفی خدا ناباور کافر بود. بنابر این می توان گفت حروفیه شیعه نبوده اند، پیروان فضل الله حروفی از فرق مختلف اسلامی و غیر اسلامی بوده اند. آراء و عقاید حروفیه نیز التقاطی از آراء الحادی و عقاید بر گرفته از اسلام و مسیحیت و حتی اندیشه های ایران قبل از اسلام بود. حروفیان هیچ تعصبی بر فرق اسلامی نداشتند. فضل الله حروفی عقاید الحادی و بدعت آمیزی رواج دا.د بنابر این هر چند در ابتدا گروهی از شیعیان بخاطر نجات از دست ظالمان به فضل الله پیوسته بودند اما با مشاهده اندیشه های الحادی توبه کرد و از فضل الله جدا شده و به آئین شیعه بازگشتند. علمای شیعه به طرد و رد حروفیه پرداخته و پیروان حروفیه را از شیاطین دانسته و شیعه بودن آنان را رد کردند. بررسی تکثر عقیدتی پیروان حروفیه و وجود اندیشه های الحادی در عقاید حروفیه و واکنش علمای شیعه در رد انتساب آنان به تشیع موضوع بحث این پژوهش است. پیروان حروفیه از چه گرووهایی بوده اند و چه عقایدی داشته اند؟ واکنش علمای شیعه در انتساب حروفیه به تشیع چه بود؟ سوالات این پژوهش است که با بهره گیری از منابع به شیوه تحلیلی و توصیفی موضوع مورد بررسی قرار گرفته است.

در خصوص فرقه حروفیه مقالات متعددی نوشته شده است اما در خصوص تکثر عقیدتی حروفیان و واکنش شیعیان به عقاید حروفیه مقاله مستقل وجود ندارد. رضا بیطرفان در کتاب«بررسی تاریخ و اندیشه های نهضت حروفیه» ریشه های تاریخی شکل گیری حروفیه مانند حمله مغولان و تیمور به ایران و اخذ مالیات های متعدد از پیشه وران شهری را از عوامل اجتماعی و اقتصادی شکل گیری حروفیه ذکر کرده و سپس عقاید منجی گرایی ایران باستان و باور به زنده بودن فضل الله و نفوذ اندیشه های اسماعیلیه در بین حروفیان و معانی باطنی حروف را به عنوان اعتقادات حروفیه مورد بررسی قرار داده است. علی گراوند و

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 194-205. doi: 10.22034/IHC.2025.19314

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

فتحعلی شهبازی در مقاله«نگاهی به آراء و عقاید و زمینه های بروز و ظهور فرقه حروفیه»[۳] به چپاول های پیشه وران شهری از سوی تیمور برای ساختن سمرقند و کوچ اجباری صنعتگران شهرها به سمرقند و نفوذ عقاید اباحیگری اسماعیلیان و غالیان و عقاید مسیحیت، دین یهود و ادیان ایران باستان در حروفیه و توجه به رمز حروف در خداشناسی، انسان گرایی و رسیدن انسان به مقام خدایی و نبوت در حروفیه را مورد بررسی قرار داده اند. مطالب این مقاله ارتباطی به مباحث پژوهش حاصر بجز در ریشه های اقتصادی شکل گیری حروفیه ندارد.

زمینه های اجتماعی شکل گیری جنبش حروفیه

ظلم و ستم مضاعف حاکمان مغول بر مردم ایران بعد از سقوط ایلخانان و رفتار ظالمانه ملک اشرف چوپانی با مردم آذربایجان چنان سخت بود که عده ای برای رهایی از دست او به امرای دشت قبچاق پناه بردند(اقبال آشتیانی، ۱۳۸۶: ۴۲۰)، ظلم و ستم امیر مبارزالدین محمد و شیخ اسحاق اینجو بر مردم شیراز، یزد و اصفهان، قتل و عام مردمان پشتکوه در مبارزات بین اتابکان لر بزرگ و کوچک و فشارهای مالیاتی شدید آل کرت بر مردم سیستان که شورش و قتل و عام آنان را در پی داشت نمونه‌ای از این اقدامات است. با ظهور تیمور اگرچه وحدت سرزمینی در مناطق شرقی سرزمین های اسلامی برقرار شد، اما ظلم و ستم فراوان بر مردم همچنان ادامه یافت. طی سه دوره حملات تیمور به ایران تعداد زیادی از مردم بی‌گناه کشته و زمین های زراعی زیادی مصادره شد(تاریخ ایران کمبریج، ۱۳۸۷: ۱۳۷/۶). در شهرهایی مانند ری، قزوین و باکو اموال برخی از بازرگانان مصادره گردید. تیمور برای اداره قلمرو وسیع خود به اموال زیادی احتیاج داشت، لذا سیاست های مالیاتی شدیدی خصوصاً بر روستائیان اعمال کرد، اقتصاد روستایی را ویران ساخت. برخی سیاحان اروپایی مانند کلاویخو از شدت رفتار مأموران مالیاتی تیمور با روستائیان خبر می‌دهند مانند شلاق زدن و کشیدن آنان بر روی زمین(کلاویخو، ۱۳۸۴: ۱۳۴)، بطوری که بسیاری از روستاها متروک شدند و رعایا با مشاهده‌ی عمال تیموری فرار می‌کردند(رویمر، ۱۳۹۵: ۱۱۳).

در چنین شرایطی اساس دعوت حروفیان شکل گرفت زیرا سلوک رفتاری آنان مبتنی بر حفاظت از حقوق مردم و رعایت حق الناس بود. در کتب حروفی و منابع عمومی ذکر شده که فضل الله از اوایل نوجوانی تا آخر عمر هرگز از کار کردن باز نایستاد و از کسی صدقه قبول نکرد. شغل او طاقیه‌دوزی بود و تا آخر عمر از این شغل ارتزاق می‌نمود(ریتر، ۱۳۷۳: ۷۲).

حروفیان به روزی حلال اهمیت می دادند که در بین توده‌های مردم به «حلال‌خوران» معروف بودند(اسلوار، ۱۳۹۱: ۳۵۲)، آنان هرگز هدیه‌ای از کسی قبول نمی‌کردند و اگر کسی برایشان نانی می‌پخت علاوه بر هزینه‌ی نان هزینه‌ی زغال را نیز پرداخت می‌کردند(ثبوت، ۱۳۶۴: ۳۳)، در روایات حروفی مکرراً ذکر شده که ملعون‌ترین بندگان خدا ظالمان هستند و بزرگترین مجازات در انتظار آنان است. فضل الله می‌نویسد که ظلم کردن به بی‌پناهان از زنا با محارم بدتر است. در منابع حروفیه ظهور فضل الله با پایان ظلم و ستم برابر دانسته شده است(سید شریف، ۱۳۹۶: ۱۱۰). طی خوابی که فضل الله در رجب۷۶۹ هجری دید، شمشیر بزرگی در دستان او بود که تیغ آن تا آسمانها رفته و در لابلای ابرها پنهان شده بود، آنگاه به فضل الله ندایی می‌رسد که با این شمشیر گردن ظالمان زمان و یاری‌کنندگان آنان را بزند.(استرآبادِی، ۱۸۳۲: ۳۹)، همچنین علی اعلی در کرسی‌نامه صراحتاً از حروفیان می‌خواهد که به هیچ جنبنده‌ای ولو مورچه ستم نکنند و مقابله با ستمکاران را اولین وظیفه‌ی خود بدانند(آتالای، ۱۳۹۳: ۲۱۴). از مجموع این گفته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که چگونه حروفیان با سوار شدن

[۳] - علی گراوند و فتحعلی شهبازی، «نگاهی به آراء و عقاید و زمینه های بروز و ظهور فرقه حروفیه»، مجله هفت آسمان، سال چهاردهم، شماره ۵۵، پاییز ۱۳۹۱، ص ۲۵-۴۳

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 194-205. doi: 10.22034/IHC.2025.19314

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

بر نارضایتی عمومی از ظلم و ستم توانستند از این خشم فروخورده مردم در راستای منافع خود و گسترش آئین شان بهره بگیرند.

در عهد فترت بین سقوط حکومت ایلخانان تا شکل گیری حکومت تیموریان جنگ قدرت بین حاکمان محلی موجب ویرانی شدید شهرها گردید، بسیاری از مردم ناچار به مهاجرت از ایران شدند(رضوی، ۱۳۸۹: ۱۲۶)، صاحب ظفرنامه از کوچ هزاران نفر از مردم یزد طی درگیریهای امیر مبارزالدین محمد و بقایای آل اینجو خبر می‌دهد(یزدی، ۱۳۳۶: ۴۱۹/۱)، همچنین طی جنگ شاه شجاع و سلطان احمد جلایری تعدادی از محلات تبریز ویران شد و عده‌ای به مراغه گریختند(خوافی، ۱۳۷۲: ۵۱۰/۳). این امر در تجارت بین شهری و بین‌المللی نیز بسیار تأثیرگذار بود. چنین شرایط ناامنی مردم را به انزوا می‌کشاند و مشارکت عمومی را به پایین‌ترین درجه می‌رساند. در این عصر مردم دشمنان همدیگر شده بودند و هر کس دیگری را به چشم دشمن و غارتگر می‌دید و مردم کمتر از خانه‌ها بیرون می‌آمدند فضل الله حروفی طی مسافرتهای خود ۴ بار مورد حمله‌ی راهزنان قرار گرفت(ثبوت، ۵۱)، از منظر حروفیان از اولین وظیفه‌ی حکومت اسلامی برقراری امنیت و آرامش برای تمام ساکنان سرزمین است. آنان در همین راستا دائماً به حدیثی از امام علی علیه‌السلام استناد می‌کردند که آن حضرت خود را به علت بی توجهی در بیرون آوردن یک خلخال از پای یک زن یهودی شایسته‌ی مرگ می‌دانند، همچنین حروفیان باور داشتند که با ظهور فضل‌الله و آغاز حاکمیت او دوران صلح و آرامش ابدی بشریت فرا می‌رسد(آتالای، ۸۱۹)، بطوری که یک زن می‌تواند به تنهایی از حجاز تا خراسان راه برود و کسی متعرض او نشود. فضل‌الله معتقد بود حاکم راستین کسی است که در قلمرو او حتی یک سیب نیز به زور از دست کسی گرفته نشود، چنین کسی جانشین حقیقی انبیاء الهی است. فرشته‌زاده در ترجمه‌ی ترکی خود از جاودان‌نامه تأکید می‌کند که چنین شخصی خود فضل‌الله و جانشینان او هستند(اسلوار، ۳۴۷).

اعتقادات مذهبی پیروان حروفیه

از منظر تحقیقات کلاسیک در حوزه حروفیه، این گروه از نظر عقیدتی در گروه شیعیان قرار می گیرند و تشیع آنان مسلم است. اولین محققان در حوزه حروفیه و تاریخ آنان مانند رضا قلی خان هدایت ، مدرس تبریزی ، ادوارد براون و ریتر به شیعه بودن حروفیان _ حداقل در حوزه ی اعتقادات عمومی _ باور داشته و آن را مسلم دانسته اند(هدایت، ۱۳۵۰: ۱۹۱؛ مدرس تبریزی، بی تا: ۲۰۷؛ براون؛ ۱۳۵۶: ۲۱۶).

از دیدگاه این گروه سیادت بزرگان حروفی مانند نعیمی، نسیمی، علی اعلی و انتساب آنان به علی ابن ابی طالب، باور به برخی از اصول عقیدتی شیعیان همچون مهدویت، رجعت و بداء در نزد حروفیان و همچنین ذکر صریح اسامی دوازده امام شیعی در کتابهای فضل الله و نسیمی ، دلایل قاطع و محکمی هستند که شیعه بودن حروفیان را ثابت می کند(هدایت، ۱۸۲؛ ریتر، ۱۰۸؛ کامل الشیبی، ۱۳۹۴: ۲۹۱).

با وجود این برخی محققان مانند بشیر شهزاد و اسلوار در این مورد شبهات جدی مطرح می کنند. این محققان نمونه بسیاری از رسالات حروفی را ذکر می کنند که در آن از برخی عبارات مخصوص اهل سنت استفاده شده است، مانند عبارت_کرّم الله وجهه _ که در پس نام اصحاب رسول الله (ص) ذکر شده و عبارت (صدیق) و (یار غار) در مورد ابوبکر، ذوالنورین در مورد عثمان، و أم المومنین در مورد عایشه،(اسلوار، ۳۲۲) بکار رفته است، همچنین در برخی رسالات حروفی مانند «حکم نامه» مثالی ضمن تفسیر فلسفه ی احکام اسلامی بر اساس نگاه حروفیه به نحوه ی انجام این اعمال اسلامی اشاره شده است که

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 194-205. doi: 10.22034/IHC.2025.19314

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

کاملا منطبق با فقه اهل سنت است مانند شستن پاها در هنگام وضو و حرمت جمع کـردن بـین دو نمـاز، و یـا حُرمـت ازدواج موقت(شهزاد، ۱۳۹۵: ۱۱۹)، در خود آثار فضل الله مانند محبت نامه در حین بررسی اسرار اذان و اقامه به عبارت«الصـلاةُ خیـر من النوم» اشاره شده است که شیعیان آن را قبول ندارند.(همان).

در آثار حروفی موارد فراوانی از اظهار عقاید شیعیانه را شاهد هستیم و همین امر سـر در گمـی بسـیاری از محققـان را فـراهم نموده و برخی را مجبور به علت یابی چنین تناقضی کرده است: اسلوار معتقد است حروفیان از بُعد اعتقادی تنها تفسـیر خـود از اسلام و احکام آن را قبول داشتند، قرائت اهل سنت و شیعیان را از اسلام ناقص و ابتر می دانستند، لذا هیچ تعصبی بر فـرق اسلامی نداشتند و تنها برای اثبات حقانیت تفسیر حروفی خود از اسلام به احکام و احادیث شیعیان و اهل سـنت اسـتناد مـی کردند. اسلوار برای اثبات نظریه خود به اشعاری از محیطی استناد می کنـد کـه در آن ضـمن انتقـاد شـدید از اهـل سـنت و شیعیان، تنها راه نجات را «درک چهره ی فضل خدا و تسلیم در برابر او » می خواند(اسلوار، ۲۷۹)، برخی دیگر مانند مصـطفی کامل الشیبی معتقدند حروفیه را نه می توان شیعه کامل شمرد و نه از پیروان اهل سنت، بلکه حروفیـان از لحـاظ اعتقـادی و فکری به شیعیان افراطی نزدیک و از نظر رفتار دینی و فقهی به اهل سنت شبیه بودند(کامل الشیبی، ۲۸۸-۲۸۹)، او در ادامـه توجیه جالبی برای این رفتار حروفیان ارائه می کند. از نظر او چون در عصر تاریخی مربوط به ظهور حروفیـه افکـار و اندیشـه های شیعی مانند مهدویت و شروع آخر الزمان و پایان ستم با ظهور موعود طرفداران بسیاری داشت، حروفیان توانسـتند بـدین طریق افراد بیشتری را از طبقات ضعیف جامعه به سوی خود جلب کننـد، ماننـد سـربداران، نوربخشـیان و مشعشـعیان(همان، ۲۹۰)، اما از دیدگاه الشیبی حروفیان با انجام تکالیف دینی به روش اهل سنت توانایی جلب افرادی از اهل سنت را داشـتند و بدین طریق مورد نفرت عموم مردم واقع نمی شدند و هم از تعقیب و آزار حاکمان متعصب اهل سنت در امان می ماندند.

نکته ی دیگر آنکه جریان حروفی از همان ابتدا یکدستی فکری و اعتقادی نداشت. در حقیقت پیروان فضل الله حروفی و آئـین او افرادی از آئین ها و مذاهب و طبقات اجتماعی مختلفی بودند که ذیل باور به آئین حروفی گردهم آمده بودنـد. برخـی ماننـد سید اسحاق، سید نسیمی و عرشی و حتی خود علی اعلی قبل از گرویدن به حروفیه، شیعه دوازده امامی بودنـد و ظهـور آئـین حروفی را طبق پیش فرض ذهنی خود تحلیل می کردند(همان، ۳۹۷).

برخی مانند تمنایی، امیر علی کیوان و روحـی بغـدادی از اهـل سـنت بودنـد و حتـی کتابهـایی در مـورد فقـه سـنی نوشـته بودند(آتالای، ۵۹۶)، ایشکورت دده یک مسیحی بود که به آیین حروفی درآمده بود و یوسف قارا ایزلی یک خدا ناباور کافر بود که توسط علی اعلی به آئین حروفی پیوست(Ocak,2017: 272). بسیاری از حروفیان متـاخر آنـاتولی از نظـر فکـری بـه اسلام صوفیانه عوام گرایانه ای تعلق داشتند. همین حروفیان بودند که بعدها میراث فکری بابائیان را به علویـان ترکیـه انتقـال دادند(سومر، ۱۳۸۵: ۷-۸).

در حقیقت جریان حروفی از همان ابتدا از نظر اعتقادی یک دست و یکسان نبود. به همین دلیـل اسـت کـه در نوشـته هـای برخی حروفیان مانند سید اسحاق مضامین شیعی چشمگیر است و در برخی مانند تمنایی مضامین اهـل سنت(اسـلوار، ۳۰۰)، به چشم می خورد. همین تکثر عقاید در بین حروفیان و عدم وحدت عقیده در بـین آنـان سـبب شـد بـا وجـود تعلـق فکـری حروفیان به تشیع، و یا حداقل با برخی از مظاهر فکری آن مانند مهدویت، شیعیان امامیـه بـه آنـان هرگـز روی خـوش نشـان ندهند و سعی در طرد و تکفیر آنان برآیند، در حالی که بزرگان و بنیان گذاران نهضت حروفیه شیعه مذهب بودند برخی ماننـد نسیمی و نعیمی، از نظر سابقه ی خاندانی به تشیع بستگی و تعلق داشتند(خمارلو، ۱۳۵۷: ۱۱۲)، نسیمی از سـادات حسـینی بود و پیش از گرایش به حروفیه با برخی از شیعیان بصره و نجف مانند معین الـدین افخمـی احسـانی ارتبـاط داشت(اراسـلی،

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 194-205. doi: 10.22034/IHC.2025.19314

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

۱۳۷۲: ۱۱۷)، فضل الله نیز از سادات موسوی بود. اجداد او ۱۵۰ سال پیش از تولد وی به سبزوار و سپس به استرآباد مهاجرت کرده بودند(ریتر، ۱۳).

وجوه افتراق و اشتراکات در عقاید حروفیه و شیعیان

میر شریف از خلفای فضل الله حروفی استرآبادی در ذکر شجره نامه فضل الله استرآبادی نسب وی را با بیست یا بیست و دو واسطه به علی(ع) می رساند(گولپینارلی، ۱۳۷۴: ۵). فضل الله هنگامی که از سوی میرانشاه در شروان دستگیر می شود در وصیت نامه اش شروان را به کربلا، و تمام روزهای خود را به عاشورا؛ نااهلان را به شمر و یزید و خود را به حضرت حسین(ع) تشبیه کرده است(همان، ۱۰). وی با مطالعه و شناختی که از فرق اسلامی و ادیان ایران قبل از اسلام و ادیان مسیحی و یهودی داشت، با تحریف عقایدی که از این ادیان گرفته بود عقایده حروفیه را بنا ساخت.

مهمترین عقاید حروفیه عبارتند از:

۱-فضل الله اعتقادات باطنیه را پذیرفته بود به همین خاطر به معنی باطنی حروف قرآن اعتقاد داشت. این بخش از عقاید او برگفته از اندیشه های اسماعیلیه بوده است.

۲- حروفیه به الوهیت فضل الله اعتقاد دارند، خدا را به مثابه قدرتی می دانند که خودش را توسط حضرت موسی، عیسی و همه پیامبران بزرگ تجلی داده است و پس از انبیاء الهی خداوند خود را شکل فضل الله در استرآباد ظاهر ساخت(براون، ۱۳۶۵: ۲۱۰). علماء شیعه بخاطر همین اعتقادات غالیانه و انحرافی بود که به طرد حروفیان پرداختند. برخی از شیعیان راستین که به حروفیه پیوسته بودند با مشاهد عقاید ی از حروفیه جدا شدند. با این حال حروفیان معتقدند شیعیان واقعی و عاشقان سر سپرده عترت پیامبر(ص)می باشند(همان).

۳- در آئین حروفیه نماز ، روزه ، حج و زکات و تمام احکام با ۲۸ حرف عربی و ۳۲ حرف فارسی مطابقت داده شده است.(گولپینارلی ۲۰-۲۱)، فضل الله معتقد بود نماز های یومیه ۱۷ رکعت است و ۱۱ رکعت نیز نماز شکسته است جمعا ۲۸ رکعت می شود، اگر تعداد ۱۵ رکعت نماز در روز جمعه را به نماز های یومیه بیافزاییم عدد ۳۲ حرف الفبا به دست می آید(شکرخدایی، ۱۳۹۶: ۴۴)، حروفیه معتقد بودند در نماز ۵ عضو بدن، یعنی دو دست و دو پا و صورت آشکار می باشد هریک از پاها دارای ۱۴ بند انگشت است که روی هم ۲۸ عدد می شود(همان، ۵۶). همچنین حروفیه قیامت، ظهور مهدی(عج)، نزول عیسی(ع)، طلوع خورشید از مغرب، صراط، میزان، بهشت و جهنم را هم تاویل کرده و با این حروف مطابقت می دادند(گولپینارلی، ۲۱).

۴- به اعتقاد حروفیه دور کاینات بر سه اساس مبتنی است: نبوت، امامت و الوهیت. نبوت با حضرت آدم آغاز و با حضرت محمد(ص) به کمال رسیده است. دوره امامت با حضرت علی(ع) آغاز و با یازدهمین امام، حسن عسکری(ع) به پایان رسیده است، با ظهور فضل الله که مهدی است دوره الوهیت شروع می شود. فضل الله ظهور نهایی خداوند است(همان، ۲۲).

۵- فضل الله از عقاید تصوف بهره گرفت. معتقد بود کاینات ظهور هستی مطلق است، همان طور که همه موجودات مطیع انسان هستند، همه انسانها نیز مطیع آن یگانه است. این انسان یگانه که در هر دوره ای هست. پیامبر و امام است پیامبر در وجود حضرت محمد(ص) به کمال خود ظهور کرد، از همین رو آخرین پیامبر است هر پیامبر وصیی دارد که مظهر سر اوست. او بعد از پیامبر امام امت می شود، امامت در علی(ع) کمال خود را یافت. این کمال در وجود امامانی که از نسل او آمدند ظاهر شد، دوره امامان با امامت امام حسن عسکری پایان یافت، پس از آن دوره غیبت آغاز شد. دوره الوهیت با آخرین امام که

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 194-205. doi: 10.22034/IHC.2025.19314

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

مهدی است آغاز شد. مهدی همان فضل الله است چون بعد از وی دیگر ظهوری نخواهد بود. تاکید حروفیه بر ظهور جلوه حق در صورت انسان به عنوان خلیفه الله شباهت زیادی با عقیده ی ابن عربی دارد(شکرخدایی، ۴۹)

۶- حروفیه با پذیرفتن امامت و شناخت امامت، امام حسن عسکری و اعتقاد به غیبت مهدی(ع) و ظهور او، از شیعه متاثر شده است، در حالی که شیعه امامیه معتقد است امام دوازدهم در غیبت کبری بسر می برد، اگر زمانش فرا رسد به اذن الهی ظهور خواهد کرد(گولپینارلی، ۲۳). اما حروفیان می گفتند که شیعیان باید فضل الله را به عنوان مهدی بپذیرند بر سر این اعتقاد به مخالف با شیعه امامیه برخاستند، همچنین با صوفیه که وجود قطب را قبول داشتند مخالفت کردند(همانریال ۲۳)

۶- حروفیان آخرت، روح و بقای روح را انکار می کردند(همان، ۲۴)

۷- حروفیه فضل الله را به عنوان ظهور ذات حق می پذیرند در اول تکبیرها و شهادت ها در اذان و اقامه»اشهد ان لا الله الا فضل الله»می گویند. در وضو همه عضوهای وضو را می شویند. در رکوع و سجده سبحان ربی الفضل الاعلی بحمده و سبحان ربی الفضل و بحمده و در تشهد و سلام نام فضل و خلفایش را می گویند(همان، ۲۹).

۸- حج آنان در النجق محل قتل گاه فضل الله بر پا می شود احرام می بندند و هفت بار آن جا را طواف می کنند قبله آنها نیز همان قلعه النق است. عبادات حروفیه بر مبنای تلفیقی از فقه سنت و شیعه پدید آمده است (همان، ۲۵).

واکنش شیعیان به عقاید حروفیه

با وجود همه ی پیوستگی های فرهنگی و تاریخی بین شیعیان و حروفیه، جنبه ی التقاطی و هنجارشکنانه حروفیه به حدی بود که موجب رنجش و دوری شیعیان از فضل الله حروفی و پیروانش گردید. در برخی از رساله های حروفی مواردی دیده می شود که به برتری فضل الله و جایگاه او از اهل بیت پیامبر(ص) اشاره شده است، مثلا فضل الله در خوابی حضرت علی(ع)را دید که با او بیعت می کند(استرآبادی، ۳۴) و یا علی اعلی در مکاشفه ای امام حسین(ع) را مشاهده کرده که پشت سر او نماز می خواند(اسلوار، ۳۸۲)، یک حروفی دیگر به طور گستاخانه ای ادعا می کند که منظور از اهل بیت پیامبر(ص) در آیات قرآن کریم فضل الله و پیروان او می باشند و ائمه شیعه باید از محضر آنان استفاده کنند(آتالای، ۵۲۲).

بدون شک این ادبیات و بیانات موجب تنفر و دوری اکثریت شیعیان از جامعه حروفی گردید. ولی به حدی نبود که شیعیان را به طور کلی از حروفیان جدا کند. به گفته ی الشیبی برخی از شیعیان مقیم نجف و کربلا به آئین حروفی در آمده بودند. در سبزوار و قم که مراکز شیعه نشین ایران محسوب می شدند، تعداد اندکی شیعیان متمایل به حروفیه یافت می شد(کامل الشیبی، ۳۵۲)، حتی یک نفر از علماء شیعه معروف قم موسوم به «افخم الدین هِرَوی قمی» در حوزه ی دین این شهر معارف حروفی را تدریس می کرد(همان). به گفته ی صادق کیا در بین شیعیان کاشان و گلپایگان نیز عده ی کمی حروفی وجود داشت(کیا، ۱۳۳۶: ۵)، اکثر این شیعیان مطابق باورهای شیعی خود ظهور فضل الله را با ظهور مهدی موعود در اندیشه ی شیعی متطابقت داده بودند و فضل الله حروفی را همان موعودی می دانستند که از خاندان پیامبر است و برای پایان دادن به ظلم و ستم و گسترش عدالت قیام کرده و با بیان اسرار حروف، علم اهل بیت را بر همگان آشکار کرده است(کامل الشیبی، ۲۶۰).

شاید همین آمادگی فکری و ذهنی شیعیان بود که برخی از آنان را به قبول عقاید حروفی وا داشت. با این حال جای شکی نیست که اکثریت جامعه شیعی فاصله خود را با عقاید حروفی حفظ کرده و حتی در برخی موارد نگاه منفی تری از اهل سنت نسبت به حروفیان داشتند(جعفریان، ۱۳۸۵: ۳۱۹)، چنان چه مدتی بعد از مرگ فضل الله استرآبادی تعداد ۲۰۰ نفر از شیعیان حروفی شهر حله مجبور به ترک عقاید حروفیه و توبه شدند(ورداسبی، ۱۳۵۸: ۸۸)، برخی از شیعیان حروفی شهرهای

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 194-205. doi: 10.22034/IHC.2025.19314

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

قم و کاشان بعد از اقرار به اشتباهشان توبه کرده و مجددا مسلمان شدند.(همان)، همه ی اینها حکایت از فشار شدید به برخی از شیعیان مایل به حروفیه از سوی هم مذهبان خود دارد هرچند که ممکن است برخی از آنان با میل و رضایت خود توبه کرده باشند.

علمای شیعه و رد عقاید حروفیه

علمای شیعه در قرن هشتم هجری وقتی با عقاید انحرافی حروفیه مواجه شدند، به رد و طرد حروفیان پرداختند. در مورد عکس العمل علمای بزرگ شیعی نسبت به حروفیه و عملکرد آنان به دو نمونه اشاره می شود: اولی تذییلاتی است که یکی از شاگردان محقق حلی به نام ابومکرم احسائی برکتاب اصول و قواعد او نوشته است. دراین کتاب محقق حلی با ذکر حدیثی از امام صادق(ع)که در آن از شیعیان خواسته برای اهل بیت زینت باشند و نه بال ، آن حضرت کسانی را که اهل بیت مورد شماتت قرار می دهند لعن کرده است. محقق حلی منظور خود را از این طایفه مستقیما ذکر نمی کند ولی شاگرد او احسائی اشاره می کند که منظور استادش برخی از افراد مدعی تشیع هستند که برخلاف روش اهل بیت رفتار می کنند مانند حروفیان و طرفداران محمد فلاح(مصطفوی، ۱۳۷۸: ۸۱۰)، هرچند محقق حلی سالها پیش از گسترش حروفیه از دنیا رفته بود اما این نوع ادبیات می تواند منفذ کوچکی باشد که نوع نگرش علمای شیعی را به حروفیان نشان می دهد. مورد دوم نسخه ی خطی از کتاب« دُرر مکنونه» اثر ملا محسن فیض کاشانی است که توسط یکی از شاگردان گمنام فیض کاشانی مورد حاشیه نویسی قرار گرفته و حسن انصاری این نسخه ی خطی را در کتابخانه دانشگاه بغداد یافته و مورد بررسی قرار داده است. در این رساله فیض کاشانی ردیه تندی بر علیه اباحه گران نگاشته و آنان را خوکان و شیاطین طریقت می نامد. حاشیه نویس گمنام در این قسمت از کتاب چنین حاشیه نگاری می کند:« وبرطایفه تیز بین اهل توحّد مخفی نیست که منظور از عتاب آن سالار راه رفتگان ، برخی از شیاطین مخفی در لباس اهل فقر می باشند که به بهانه ی وصال قائل به تعطیل و تحقیر شرع مبین شدند مانند طایفه ی ملعونه ی پسیخانیه و محمود ملعون و ریشه ی این جماعت یعنی حروفیان لعین»(انصاری، ۱۳۸۷: ۵۱۲).

با گذشت زمان و نابودی فرق حروفیه و نقطویان آرام آرام نگرش شیعیان به بزرگان جنبش حروفی تغییر پیدا کرد و بنیان گذاران جنبش حروفیه چون نعیمی و نسیمی ، مبدل به عارفان روشن ضمیر و شهدای راه حقیقت شدند، البته بودند افرادی مانند تقی الدین اوحدی که از همان دوران صفوی نگاه مثبتی به بزرگان حروفی داشتند، اما از اوایل دوران قاجار شاید به دلیل انقراض کامل فرقه ی حروفیه در ایران و رفع خطرات سیاسی و اجتماعی ناشی از حضور آنها، نگاه تذکره نویسان و محققان شیعی نسبت به حروفیان تغییر پیدا کرد و در اکثر تذکره های عرفانی این عصر از حروفیان به نیکی یاد شد مانند تذکره های رضاقلی خان هدایت، میرزا محمد منشی عراقی ، حتی در دوره معاصر در بین برخی از علما افرادی بودند که نعیمی و نسیمی را شیعیان خالص و عارفان و اصل می دانستند. آیت الله علامه امینی که در کتاب «الشهدا الفضیلة» نسیمی و نعیمی را یاد کرده هر دو را می ستاید(امینی، ۱۳۵۵: ۷۱۲)، آقا بزرگ طهرانی در کتاب « الذریعة فی العلماء الشیعة» ضمن بررسی زندگانی نعیمی، نسیمی و علی اعلی همه آنان را جزو علمای شیعه دانسته و با عنوان شهید از آنان یاد می کند(اقا بزرگ تهرانی، ۱۳۵۳: ۱۸۱/۲).

نتیجه

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 194-205. doi: 10.22034/IHC.2025.19314

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

فضل الله نعیمی استرآبادی رهبر حروفیان تلاش نمود برای پیشبرد اهداف خود با پیروان فرق مختلف مذهبی ارتباط برقرار نماید و تعالیم خود را از آمیزه ای از عقاید فرق اسلامی، غیر اسلامی درآورد تا امکان جذب پیروان از مذاهب مختلف را فراهم آورد. با توجه به این که او فعالیت های خود را بر ضد ظلم و ستم حاکمان وقت نسبت به توده مردم مظلوم استوار ساخت، به عنوان منجی از سوی شیعیان امامیه، اسماعیلیه و حتی اهل سنت مورد حمایت قرار گرفت. با توجه به این که شیعیان از گروههای فعال در جامعه ایران در قرن هشتم هجری بودند و اندیشه ظهور منجی از دوره ایلخانان در جامعه شیوع یافته بود، فعالیت فضل الله بر ضد ظلم و ستم و کشتارهای تیمور منجر به جلب گروههایی از شیعیان و اهل سنت طبقات شهری و دهقانان روستایی را فراهم نمود با توجه به این که در بین آنها افراد مشهور مانند عمادالدین نسیمی مشتهر به شیعه حضور داشتند موجب گردید این گروه به تشیع مشهور شوند و در اوایل بخاطر شعار های ظلم ستیزانه فضل الله تعدادی از شیعیان به او پیوستند اما با آشکار شدن افکار الحادی فضل الله حروفی شیعیان ضمن توبه از پیروان حروفیه جدا شده و و به مخالفت با عقاید حروفی برخاستند در این راه علمای شیعه پیشگام بودند. جنبش حروفیه و ادعاهای فضل الله حروفی نشان داد که وی نیز همانند سایر مدعیان دروغین مذهبی تلاش می کرد از اعتقادات مذهبی شیعیان در خصوص ظهور منجی و حضرت مهدی(عج) بهره گیرد هر چند در ابتدا بدلیل شرایط اجتماعی فضل الله توانست برخی از شیعیان را دور خود جمع نماید اما با آشکار شدن ادعاهای الحادی او شیعیان خیلی زود راه خود را از حروفیه و پیروان فضل الله جدا نموده و با مخالفت با عقاید او پرداختند.

منابع و مآخذ:

۱. -آتالای، سباستین، بکتاشیه و ادبیاتش، ترجمه و حاشیه ی یونس سبز بهار، انتشارات محمود ، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۲. آقا بزرگ تهرانی، الذریعهٔ فی علما الشیعه ، ج۲، چاپ سنگی، نجف اشرف، ۱۳۵۳ ه.ق.
۳. -اراسلی، حمید، زندگی نامه عماد الدین نسیمی، ترجمه ی محمد صدیقی، نشر اختر ، چاپ اول ، تبریز، ۱۳۷۲.
۴. -اسلوار، فاتح، حروفیه (عقاید ، عبادات، و ...) ترجمه داوود وفائی ، انتشارات مولا، چاپ اول، تهران،۱۳۹۱.
۵. -انصاری ، حسن، بررسی های تاریخی در حوزه اسلام و تشیع،نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۷.
۶. -امینی عبدالحسین، الشهدا الفضیلهٔ ، با حواشی سید شهاب الدین مرعشی نجفی، دارالکتاب الجزایری، چاپ اول، قم، ۱۳۵۵.
۷. -براون، ادوارد، از سعدی تا جامی، ترجمه رضا علیپور دربندی، انتشارات تقوی، چاپ اول، تهران، ۱۳۵۶.
۸. -بروان، ادوارد، «نوشته های حروفیان و ارتباط آنان با طریقه دراویش بکتاشی» ترجمه عطاءالله حسنی، نشریه فرهنگ ایران زمین: بهار ۱۳۶۵، شماره ۲۶، صص ۲۰۶-۲۴۴.
۹. -حروفی استرآبادی، فضل الله ، جاویدان نامه کبیر(با حاشیه نوم نامه)، نسخه خطی کتابخانه ملک، نسخه اینترنتی،به شماره ۱۸۳۲ .
۱۰. خوافی، احمد بن جلال الدین محمد، مجمل فصیحی، ج۳، به تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران: نشر اساطیر، ۱۳۷۲.
۱۱. -خمارلو، تقی، عمادالدین نسیمی و نهضت حروفیه، نشر تلاش، چاپ اول، تبریز، ۱۳۵۷.
۱۲. -جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوس، نشر علم، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۰.
۱۳. -شهزاد، بشیر، ، حروفیه: تاریخ و عقاید ، ترجمه محمد رضا مرادی طادی،انتشارات علم، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۵.
۱۴. -ریتر، هلموت، آغاز فرقه ی حروفیه، ترجمه حشمت موید، مجله فرهنگ ایران زمین، اردیبهشت سال ۱۳۷۳.
۱۵. -رضوی، سید ابوالفضل شهر، سیاست، و اقتصاد در ایران عهد ایلخانی، تهران: نشر امیر کبیر، ۱۳۸۹، چاپ اول.
۱۶. -سومر، فاروق، قزلباشان ترکیه، مجله تاریخ اسلام، سال هفتم، شماره ششم، پاییز ۱۳۸۵.

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 194-205. doi: 10.22034/IHC.2025.19314

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

۱۷. سید شریف، پنج رساله حروفیه، به تصحیح ولی قیطرانی، تهران، نشر میراث مکتوب، ۱۳۹۶.
۱۸. شکر خدایی، سید احسان، عقاید حروفیه و اندیشه های سید عمادالدین نسیمی، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۶.
۱۹. -کامل الشیبی، مصطفی، تشیع و تصوف از آغاز تا پایان قرن ۱۲ هجری، ترجمه ی علی رضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران، امیر کبیر، ۱۳۹۴.
۲۰. -کلاویخو، گونسالس دو، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
۲۱. -کیا، صادق، واژه نامه گرگانی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول تهران، ۱۳۳۰.
۲۲. -کیا، صادق، آگاهی های تازه در مورد حروفیان، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سال هفتم،شماره ۲۴ ام، تابستان ۱۳۳۶.
۲۳. -گولپینارلی، عبدالباقی، فهرست متون حروفیه، ترجمه توفیق سبحانی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.
۲۴. -مصطفوی، احمد ، نسخ خطی کتابخانه های نجف، نشر دارالعلم، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۸.
۲۵. مدرس تبریزی، محمدعلی، ریحانۀ الادب (هشت جلدی)، انتشارات کتاب فروشی خیام، تبریز، بی تا.
۲۶. میر فطروس، علی، جنبش حروفیه و نهضت پسیخانیان، انتشارات بامداد، تهران، بی تا.
۲۷. هدایت، رضا قلی خان، ریاض العارفین، به کوش مهر علی گرگانی، انتشارات محمودی، چاپ اول، تهران، بی تا، ۱۳۵۰.
۲۸. یزدی، شرف الدین علی، ظفرنامه تهران، نشر رهایی، ج۱، ۱۳۳۶، چاپ اول.
۲۹. ورداسبی، ابوذر، نمدپوشان، نشر راه امام، چاپ اول، تهران، ۱۳۵۸.
30. Yasar ocak, Ahmet, Hurofism and Bektashism in ottoman Empirc, istunbul, 2017.

آوانگاری منابع

1. Atalay, S. (2014). *Bektashiyeh va Adabiyatesh* (Y. Sabz Bahar, Trans.). Tehran: Mahmoud.
2. Aqa Bozorg Tehrani. (1353 H). *Al-Dhari'ah fi 'Ulama al-Shi'ah* (Vol. 2). Najaf Ashraf.
3. Arasli, H. (1993). *Zendegi Nameh Emad al-Din Nasimi* (M. Sedighi, Trans.). Tabriz: Akhtar.
4. Aslvar, F. (2012). *Hurufiyeh (Aqa'id, 'Ibadat va ...)* (D. Vafaei, Trans.). Tehran: Mola.
5. Ansari, H. (2008). *Barrasi-haye Tarikhi dar Hozeh-ye Islam va Tashayyo'*. Qom: Jame'e Modarresin Hozeh Elmiyeh.
6. Amini, A. H. (1355 H). *Al-Shuhada al-Fadila* (S. Sh. M. Najafi, Ed.). Qom: Dar al-Kitab al-Jaza'iri.
7. Brown, E. (1977). *Az Sa'di ta Jami* (R. Alipour Darbandi, Trans.). Tehran: Taghavi.
8. Brown, E. (1986). *Neveshteh-haye Hurufiyan va Ertebat-e Anan ba Tariqe Darvish Bektashi* (A. Hasani, Trans.). *Farhang-e Iran Zamin*, 26, 206–244.
9. Hurufi-ye Astrabadi, F. (n.d.). *Javidan Nameh Kabir* (Noom Nameh margin, Manuscript No. 1832, Malek Library).
10. Khafi, A. b. J. D. M. (1372). *Mojmal Fasaheh* (Vol. 3; M. N. Nasr Abadi, Ed.). Tehran: Asatir.
11. Khomarlu, T. (1978). *Emad al-Din Nasimi va Nahzat-e Hurufiyeh*. Tabriz: Talash.
12. Jafarian, R. (2001). *Tarikh-e Tashayyo' dar Iran az Aghaz ta Tolou' Dowlat-e Safavi*. Tehran: Nashr-e Elm.
13. Shehzad, B. (2016). *Hurufiyeh: Tarikh va Aqa'id* (M. R. Moradi Tadi, Trans.). Tehran: Elm.
14. Reiter, H. (1994). *Aghaz-e Ferqeh-ye Hurufiyeh* (H. Moayed, Trans.). *Farhang-e Iran Zamin*, Ordibehesht 1373.
15. Razavi, S. A. Shahr. (2010). *Siasat va Eqtesad dar Iran-e 'Ahd-e Ilkhani*. Tehran: Amir Kabir.
16. Somer, F. (2006). *Qezelbashan-e Turkey*. *Majaleh-ye Tarikh-e Islam*, 7(6).
17. Seyed Sharif, (2017). *Panj Resaleh Hurufiyeh* (V. Gheytarani, Ed.). Tehran: Mirath-e Maktoub.
18. Shokrkhodaei, S. E. (2017). *Aqa'id-e Hurufiyeh va Andisheh-haye Seyed Emad al-Din Nasimi*. Qom: University of Religions and Denominations.

ناشر: دانشگاه تبریز
تاریخ فرهنگ ایران
https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 194-205. doi: 10.22034/IHC.2025.19314

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

19. Kamel al-Sheibi, M. (2015). *Tashayyo‘ va Tasavvuf az Aghaz ta Payan-e Qarn-e 12 H.* (A. R. Zekavati Qaragouzlu, Trans.). Tehran: Amir Kabir.
20. Clavijo, G. D. (2005). *Safarnamah-e Clavijo* (M. Rajabnia, Trans.). Tehran: Elmi va Farhangi.
21. Kia, S. (1951). *Vajehnameh-ye Gorgani*. Tehran: University of Tehran.
22. Kia, S. (1957). *Agahi-haye Tazeh dar Mored-e Hurufiyan*. *Majaleh-ye Daneshkadeh-ye Adabiyat-e University of Tehran*, 7(24).
23. Gulpinarli, A. B. (1995). *Fehrest-e Motun-e Hurufiyeh* (T. Sobhani, Trans.). Tehran: Sazman-e Chap va Entesharat-e Vezarat-e Farhang va Ershad.
24. Mostafavi, A. (1999). *Nasakh-e Khatti-ye Ketabkhaneh-haye Najaf*. Tehran: Dar al-‘Elm.
25. Modarres Tabrizi, M. ‘A. (n.d.). *Reyhaneh al-Adab* (8 vols.). Tabriz: Ketabforushi Khayyam.
26. Mir Fotros, A. (n.d.). *Nahzat-e Hurufiyeh va Nahzat-e Pasyikhaniyan*. Tehran: Bamdad.
27. Hedayat, R. G. K. (1971). *Riyaz al-‘Arefin* (M. A. Gorgani, Ed.). Tehran: Mahmoudi.
28. Yazdi, S. D. ‘A. (1957). *Zafar Nameh* (Vol. 1). Tehran: Rahayi.
29. Vardasbi, A. (1979). *Namadpooshan*. Tehran: Rah-e Imam.
30. Yasarocak, A. (2017). *Hurufism and Bektashism in the Ottoman Empire*. Istanbul.